



شهر بانو

۲شنبه
۱۷ آبان ۱۴۰۰
۲ ربيع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۳۵۲۳

(۴)

خرده‌روایت‌هایی از مادرانی که در سال جاری
با چالش‌هایی برای تحصیل مجازی کلاس‌اولی‌ها روبه‌رو شدند

مادری به توان ۲



سعیده آل ابراهیم

چراغ قرمز کرونا مانند خیلی از موضوعات دیگر، سدره راه تحصیل دانش‌آموزان نیز شد. از میان دانش‌آموزانی که در دوران همه‌گیری کرونا نوع متفاوتی از تحصیل را تجربه کرده‌اند، شرایط برای کلاس اولی‌ها سخت‌تر بود زیرا حتی تجربه حضور در مدرسه را نداشتند. طبیعی است که شروع مدرسه مجازی با مشکلاتی برای مادران این دانش‌آموزان نیز همراه می‌شود. مادران شاغل که تا پیش از کرونا، فرزندشان را به مدرسه می‌فرستادند و خیالشان از این بابت که او در خانه تنها نیست آسوده می‌شد، اکنون بر سر دوراهی‌ای قرار می‌گیرند که میان تنهایی فرزندشان یا از بیکاری و از دست دادن شغل یک گزینه را انتخاب کنند. از سوی دیگر، مادران خانه‌دار نیز با وجود مسئولیت‌های خانه‌داری و رسیدگی به امور اعضای خانواده، باید وقت خود را تمام و کمال برای فرزند کلاس اولی خود می‌گذاشتند. مادران دانش‌آموزان به‌ویژه کلاس اولی‌ها در این مدت دل‌نگرانی و اضطرابی را تجربه کردند که تا پیش از این، تصویری از آن نداشتند. مهم‌ترین ترس آن‌ها این است که کودکانشان در اولین و مهم‌ترین پایه تحصیلی‌شان دچار اشکال شوند و به قول معروف حکایت آن‌ها مانند این ضرب‌المثل شود که «خشت اول چون نهد معمار کج، تاثر با می‌رود دیوار کج!». سخت است خانه را به مدرسه تبدیل کنی، آن‌هم برای بچه‌هایی که هیچ تصویری از درس و مدرسه ندارند، باید بنشینند و به جای اینکه الفبا را از زبان معلم خود پای تخته سیاه یاد بگیرند، آن‌را از قاب گوشی تلفن همراه یا تبلت آموزش ببینند. همیشه در باورمان، معلم‌ها آدم‌های صبور بودند که می‌توانستند چندین ساعت را در روز با بچه‌ها سر و کله بزنند. اما کرونا کاری کرد که باید مادران پایه‌های بچه‌ها سر کلاس درس بنشینند و صبح تا شب پیگیر درس و مشق آن‌ها باشند.

از مادری تا ناظم مدرسه

به جای مادر تبدیل به یک ناظم مدرسه شده است. «باید مدام به پسرم یادآور شوم که کلاست دیر نشود یا تکالیف را سر ساعت تحویل بده. دیگر احساس می‌کنم رابطه مادر و فرزندیمان به هم خورده است. هر روز سعی می‌کنم سیاست جدیدی را پیش بگیرم. یک مرتبه با جدیت و مرتبه دیگر با تشویق از فرزندم می‌خواهم که تکالیفش را انجام بدهد تا متوجه شوم که کدام روش بیشتر جواب‌گوست.»

را بیدار می‌کنم. صبح‌ها بدخلقی می‌کند، اما باید برای حضور در کلاس مجازی بیدار شود. مدتی که دور کار بودم، در کنار انجام کار خودم، حواسم به او هم بود، اما حالا مدتی است که باید به سر کار بروم و مدام از طریق تماس تلفنی پیگیر کلاس و تکالیفش هستم. پسرش بازگوش است. کافی است که از او غافل شود تا درس و مشق را رها کند و مشغول بازی شود. به همین دلیل ریحانه معتقد است او در مدت کرونا،

از صبح تا شب زبانش مو در می‌آورد، آن قدر که باید به دختر هفت‌ساله‌اش بگوید حواست به درست باشد یا تکالیف را به موقع انجام بده. ریحانه به معنای واقعی کلمه از اینکه هر روز باید از صبح تا شب امر و نهی کند تا فرزندش از زیر بار درس خواندن و تکلیف نوشتن فرار نکند، خسته شده است. شاغل است و به همین دلیل صبح زودتر از اعضای خانواده بیدار می‌شود تا به کارهای خانه‌اش برسد. «پیش از اینکه به سر کار بروم، پسر